



The Effect of Dangerous Contagious Diseases on the Ability and Acts and Rituals of Hajj

Mahdi Sajedi, Ph.D., Assistant Professor, University of Quran and Hadith (Corresponding Author)

Email: mehdisajedi85@yahoo.com

Hesam al-Din Rabbani, Ph.D., Assistant Professor, University of Quran and Hadith

Abstract

In this paper, the effect of dangerous contagious diseases on the ability and acts and rituals of Hajj is studied. This library research concludes that if the contagious disease is dangerous and deprives the affected person from the opportunity to perform the rituals until the last possible time, he would lose the ability and in the case that his financial ability remains, he should take action in the next year. However, if he is healthy and is afraid of contracting a contagious disease existing in Saudi Arabia, if the conjecture of contracting the disease is strong and rational, the fear of contracting the disease prevents the obligation of Hajj and in case he knows or it seems strongly probable to him that preventive and appropriate measures will be taken against the spread of the disease in Saudi Arabia, such a fear does not prevent the obligation of Hajj. In that case, if, despite precautionary and preventive measures, he contracts a contagious disease and at the same time, following a physician's instructions, he is able to complete his acts and rituals before the time expires, even if he confines himself to performing the minimum obligations and rituals, his Hajj is sufficient (Mujzi). Otherwise, illness and failure to perform the acts indicate his inability in that year.

Keywords: Ability, Health, Hajj, Contagious Disease, Fear



HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir	سال ۵۴ - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۳۰ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۹۵ - ۷۷	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2021.62648.0	نوع مقاله: پژوهشی	

تأثیر بیماری‌های مسری خطرناک بر استطاعت و اعمال و مناسک حج

دکتر مهدی ساجدی (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Email: mehdisajedi85@yahoo.com

دکتر حسام الدین ربانی

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

چکیده

در این جستار، تأثیر بیماری‌های مسری بر استطاعت و اعمال و مناسک حج بررسی می‌شود. نتایج حاصل از پژوهش با روش کتابخانه‌ای عبارت است از اینکه بیماری مسری چنانچه خطرناک باشد و فرصت ادای مناسک را تا آخرین زمان ممکن از فرد مبتلا سلب کند، وی از استطاعت خارج می‌شود و در صورتی که توانایی مالی او باقی باشد، در سال جدید باید اقدام کند. اما اگر از سلامت جسمی برخوردار و از ابتلای به بیماری مسری موجود در سرزمین عربستان خائف است، در صورتی که ظن ابتلا به بیماری، قوی و عقلایی باشد، خوف از ابتلا مانع وجوب حج می‌شود و در صورتی که بداند یا احتمال قوی دهد در عربستان، اقدامات پیشگیرانه و صحیح از سرایت بیماری صورت می‌گیرد، خوف مزبور مانع وجوب حج نیست. در این فرض، چنانچه با وجود اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه، به بیماری مسری مبتلا شود و در عین حال بتواند قبل از گذشت زمان با رعایت دستور پزشک، اعمال و مناسک خود را ولو با اکتفا به اقل واجبات و ارکان به اتمام رساند، حج او مجزی است، وگرنه بیماری و عدم امکان ادای اعمال، کاشف از عدم استطاعت او در آن سال است.

واژگان کلیدی: استطاعت، سلامتی، حج، بیماری مسری، خوف.

مقدمه

امروزه که دنیا با بیماری مسری و خطرناک کوید ۱۹ درگیر شده، انجام عبادات و مناسک معنوی مسلمانان و از جمله مناسک و اعمال عبادی حج تمتع نیز دستخوش تغییر شده است، تا آنجا که دولت عربستان تصمیم گرفت تا در سال جاری مراسم حج را با تعداد محدودی از زائران از کشور خود برگزار کند. اما با این وجود و به خصوص در فرض ادامه دار بودن این بیماری در دنیا و احتمال سرایت بالای آن و نبود واکسن و درمان خاص برای آن تا زمانی مشخص، مسئله استطاعت و انجام مناسک حج را با ابهاماتی روبه‌رو ساخته است.

روشن است با تحقق استطاعت و فراهم شدن شرایط و جوب، فریضه حج برعهده مکلف قرار می‌گیرد و وی موظف است برای تهیه مقدمات سفر و اموری که انجام این فریضه را برایش میسر می‌کند، اقدام کند. اما استطاعتی که موضوع و جوب حج است، مفهومی شرعی است که شامل توانایی مکلف در هر دو جنبه مالی و بدنی است (صاحب‌جواهر، ۲۵۱/۱۷؛ محقق سبزواری، ۵۶۶/۲؛ اصفهانی، حاشیه العروة الوثقی، ۳۹۷/۴؛ مغنیه، ۱۳۰/۲؛ زین‌الدین، ۳۴/۳؛ صافی گلپایگانی، ۸۵/۱)؛ بدین معنا که شرعاً در صورتی بر مکلف، مستطیع صدق می‌کند که وی بتواند از عهده مخارج حج برآید و نیز از نظر جسمی از مقداری از توان برخوردار باشد که بتواند اعمال و مناسک حج را انجام دهد.

در نوشتار حاضر، بخش دوم استطاعت؛ یعنی سلامتی و توانایی جسمی محل بحث است. به عبارت دیگر، با توجه به شرایط موجود کنونی در جهان و احتمال ابتلا به این بیماری مسری و خطرناک، این سؤال مطرح می‌شود که در چه فرضی مکلف از نظر بدنی مستطیع خواهد بود؟ آیا خوف از ابتلا به این بیماری سبب سقوط حج از عهده مکلف است؟ آیا اگر فرضاً در سال‌های آینده عربستان بتواند سلامتی حجاج را به طور نسبی تأمین کند، ولی در عین حال همچنان خوف ابتلا به این بیماری وجود داشته باشد، و جوب حج برعهده افراد سالم قرار می‌گیرد یا چنین خوفی تا زمانی که راه حل قطعی درمان کشف نشود مانع از تحقق استطاعت است؟ همچنین اگر فردی قبل از سفر به عربستان به این بیماری مبتلا شود، وضعیت استطاعت و جوب حج بر وی چگونه خواهد بود؟ علاوه بر این، چنانچه در عربستان به این بیماری مبتلا شود، چگونه باید اعمال و مناسک خود را به جا آورد؟

در نهایت نیز این سؤال مطرح است که افرادی که گرچه به طور محدود به حج مشرف می‌شوند، اعمال خود را باید به چه صورت انجام دهند که هم از خطر ابتلا در امان بمانند و هم به طور کامل به وظیفه شرعی خود عمل کرده باشند؟

قبل از پاسخ به پرسش‌های مذکور، مناسب است استطاعت را از منظر شارع واکاوی کنیم.

۱. تفسیر استطاعت شرعی

أ. قرآن: مطابق با آیه شریفه «...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» (آل عمران: ۹۷) و با توجه به اینکه کلمه سَبِيلًا، تمیز برای فعل اسْتَطَاعَ است و منظور از آن را مشخص می‌کند (طباطبایی، ۳/۳۵۵)؛ هرکس توان و استطاعت لازم در پیمایش مسیر و رسیدن به مکه و انجام اعمال و مناسک حج را دارا باشد، حج بر او واجب است. به عبارت دیگر، فعل استطاع در آیه شریفه فوق، اطلاق دارد و شامل توان مالی و توان جسمی، چه در مرحله طی مسیر و چه در مرحله انجام اعمال و مناسک حج می‌شود. بنابراین، زمانی بر فرد مکلف، مستطیع صدق می‌کند که بتواند از ابتدا با سلامتی لازم برای انجام اعمال و مناسک عمره و حج به سمت سرزمین وحی حرکت کند، همچنین پس از رسیدن به عربستان در زمان انجام اعمال عمره و سپس اعمال حج که از روز نهم ذی‌الحجه شروع می‌شود، از سلامتی کامل برای ادای وظایف خود برخوردار باشد.

بنابراین، مستفاد از اطلاق آیه مذکور این است که اگر از ابتدای حرکت به سمت عربستان دچار بیماری شود، با توجه به عدم امکان اعزام وی به مکه در زمان بیماری، و وجوب حج برعهده وی، بر آخرین زمان امکان اعزام معلق می‌شود؛ یعنی زمانی که بهبودی کامل یافته و خطر ابتلای دیگر حجاج نیز وجود نداشته و اعزام وی نیز به عربستان امکان داشته باشد. در این فرض اگر تا آخرین لحظه، بهبودی یافت و امکان اعزام ایمن او نیز فراهم شود، همچنان استطاعت و وجوب حج برعهده اش باقی است، اما اگر تا آخرین زمان اعزام، بهبودی نیابد یا پس از بهبودی، شرایط اعزام ایمن برای چنین فردی مهیا نشود، کاشف از این خواهد بود که استطاعت در آن سال برای وی محقق نشده است. در این صورت، تعلق وجوب حج برعهده وی مشروط به تحقق استطاعت در سال آینده خواهد بود.

اطلاق آیه نیز بر لزوم داشتن توان و سلامت جسمی برای انجام اعمال در زمان مختص به آن دلالت دارد، از این رو اگر در سرزمین وحی به بیماری مبتلا شود و امکان بستری شدن و اقامت وی در آنجا وجود داشته باشد، وجوب حج برعهده او متوقف بر بازیابی سلامتی قبل از ضیق وقت برای انجام اعمال و مناسک حج است.

ب. روایات: روایات پرداخته شده به مسئله استطاعت، به شرح زیر است:

۱. روایت صحیح صفوان بن یحیی از ذریح^۱ از امام صادق (ع): أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ

۱. محقق خوبی به نقل از نجاشی، ابوعلی اشعری را ثقه و فقیه بین اصحاب و کثیر الروایة معرفی کرده است (معجم رجال الحدیث، ۴/۲). شیخ طوسی، محمد بن عبد الجبار بن ابی الصهبان را ثقه دانسته است (رجال الشیخ الطوسی - الاواب، ۳۹۲). علامه حلی به نقل از شیخ طوسی، صفوان بن یحیی را اوثق افراد زمانش دانسته است. وی از اصحاب اجماع شمرده شده است (رجال العلامة - خلاصة الاقوال، ۸۹). شیخ طوسی، ذریح المحاربی را ثقه و دارای اصل دانسته

عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحَفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمُتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (كلینی، ۲۶۸/۴)؛ حضرت فرمودند: «هرکس که بمیرد درحالی که حج واجب (حججه الاسلام) را انجام نداده باشد، درحالی که حاجتی نداشته که مانع از انجام حج شود یا مریضی نداشته که سبب شود نتوان انجام اعمال از او سلب شود یا حاکمی نبوده که از انجام حج توسط او ممانعت ورزد، به او گفته می‌شود باید به آیین یهودی یا نصرانی بمیرد (مسلمان از دنیا نمی‌رود).»

۲. روایت صحیح معاویه بن عمار^۱ از امام صادق (ع): مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. قَالَ: هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَ صِحَّةٌ وَ إِنْ كَانَ سَوْفَهُ لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسَعُهُ وَ إِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ يَجِدُ مَا يَحُجُّ بِهِ الْحَدِيثُ» (حر عاملی، ۲۵/۱۱)؛ حضرت فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: و از ناحیه خدا برعهده مردم تکلیف انجام حج خانه‌اش است، برای کسی که توان راه‌یابی به حج را داشته باشد. این آیه برای کسی است که از مال و صحت و سلامتی برخوردار است و اگر انجام حج را به دلیل تجارت تأخیر اندازد، معذور نیست و اگر درحالی که حج را انجام نداده بمیرد، دستوری را از دستورات اسلام ترک کرده، چنانچه اسباب حج برایش فراهم باشد.»

۳. روایت حسنه هشام بن حکم^۲ از امام صادق (ع): «وَ فِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ اِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. مَا يَعْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سَرِيَّةً لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ» (همان، ۳۵)؛ از حضرت درباره آیه شریفه «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» سؤال شد که مقصود خداوند متعال از آن چیست؟ حضرت فرمودند: «هرکس از صحت بدنی برخوردار باشد و مسیر رفتن به حج برای او خالی از هرگونه مانع بوده و زاد و توشه و مرکب

است (الفهرست، ۷۰).

۱. حسین بن سعید اهوازی، فقیهی ثقه و جلیل القدر و از اصحاب امام رضا (ع) بوده است (مرتضوی لنگرودی، الدر النضید، ۷۴/۱)؛ نجاشی، فضالة بن ایوب ازدی را ثقه در حدیث و دارای استقامت در دین‌داری معرفی کرده است. همچنین وی، معاویه بن عمار بن ابی معاویه را فردی سرشناس، ثقه و دارای شأن و مقام بالا در بین اصحاب دانسته است (نجاشی، رجال النجاشی، ۴۱۲ تا ۴۱۰).

۲. نجاشی، علی بن ابراهیم را از روایتی دانسته است که ثقه در گفتار، مورد اعتماد و دارای مذهب صحیح است (نجاشی، رجال النجاشی، ۲۶۰). سیلبحرالعلوم معتقد است پدر ایشان، ابراهیم بن هاشم، از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و فردی کثیر الروایه، سدید النقل و مقبول الحدیث است (بحرالعلوم، الفوائد الرجالیة، ۴۳۹/۱). ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است و هشام بن حکم در جلالتش هیچ اختلافی نیست (حلی، رجال داوود، ۳۸۴ و ۵۲۵).

سفر را داشته باشد.»

مطابق با روایات مذکور، در تفسیر آیه شریفه که همگی از سند صحیحی برخوردارند، استطاعت بر اموری متوقف است؛ از قبیل دارابودن مال برای مخارج سفر و اداره زندگی، سلامتی و تندرستی به منظور قدرت داشتن بر پیمایش مسیر و انجام اعمال و خالی بودن مسیر از مانع به معنای اطمینان خاطر از امنیت و سلامت سفر. اگر هرکدام از این امور محقق نباشد، فریضه حج برعهده مکلف قرار نمی‌گیرد. اما بعد از اینکه مکلف چنین استطاعتی برایش حاصل شد، باید به این سفر اقدام کند و تهیه مقدمات سفر مانند تهیه وسایل لازم برای سفر، تهیه مرکب، اخذ گذرنامه و روادید، پرداخت عوارض و مانند این‌ها بر او واجب می‌شود. گفتنی است هرگاه نتواند هریک از این مقدمات را قبل از اتمام فرصت انجام عمره تمتع و درک حج فراهم کند (بدون تقصیر)، در آن سال حج از او ساقط است و وجوب حج در سال آینده متوقف بر بقای استطاعت و امکان تهیه مقدمات در آن سال خواهد بود.

البته مستفاد از روایت اول و از عبارت «مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ» این است که مرض یا بیماری در صورتی مانع از تحقق استطاعت است که مستدام باشد و در حالت مریضی، توان انجام اعمال و مناسک حج از مکلف سلب شود، از این رو ابتلا به بیماری کوید ۱۹ در صورتی مانع از تحقق استطاعت است که اولاً در مرحله حاد و مستلزم بستری یا استراحت در محیط خاص باشد؛ ثانیاً سبب سلب امکان اعزام مکلف به مکه و سلب امکان انجام اعمال و مناسک حج شود.

بنابراین، اگر مکلف قبل از اعزام به این بیماری مبتلا شود اما بیماری شدت نداشته و نیازمند بستری و درمان نباشد یا تا آخرین زمانی که امکان اعزام ایمن برای او وجود دارد، سلامتی خود را بازیابد؛ ابتلا به بیماری مانع از تحقق استطاعت نیست. بله، اگر به گونه خفیف این بیماری مبتلا شود، صرف ابتلا مانع از انجام اعمال و مناسک در خصوص وی نیست؛ اما از آنجاکه خطر ابتلای دیگران به واسطه سرایت بیماری از وی به سایر وجود دارد، این گونه ابتلا نیز مانع از تحقق استطاعت است (نراقی، ۶۴/۱۱). البته در این فرض، علت عدم وجوب حج، تحقق نیافتن استطاعت سربی است؛ بدین معنا که عنوان «تخلیه السرب»^۱ که از فقره «مخلى سربه» در روایت مذکور گرفته شده است، بر وی صادق نیست، چه اینکه مانع گاهی خارجی و گاهی داخلی است و در اینجا مانع از سیر و رفتن به مکه، بیماری‌ای است که امکان سرایت به دیگران در باره آن بسیار قوی است.

ممکن است گفته شود بیماری که برای دیگران خطرناک است، چگونه مقوم استطاعت فرد به شمار

۱. منظور از استطاعت سربی این است که در طریق حج، مانعی نباشد که باوجود آن مانع، رسیدن به میقات یا انجام تمام و کمال اعمال ممکن نباشد (سبحانی، ۲۹۱/۱).

می‌رود؟

در پاسخ می‌توان گفت: وقتی حضور شخص بیمار، سبب ضرر و خطر برای دیگران است، عنوان حرمت بر آن مترتب می‌شود و شرعاً نمی‌تواند اقدام به حج کند و بیماری مانع از وجوب حج می‌شود و فقها نیز تصریح کرده‌اند که مانع شرعی مانند مانع عقلی و حسی و بلکه اقوی از آن است (موسوی عاملی، ۱۰۰/۷ و ۲۴۷/۲).

البته باید توجه داشت صرف مسری بودن بیماری، مانع به شمار نمی‌رود، بلکه بیماری مسری مانند کوید ۱۹ به دلیل خصوصاتی که دارد مانع از سیر است؛ زیرا بیماری‌های دیگری مانند سرماخوردگی نیز وجود دارد که از قضا شایع و مسری نیز است، اما در فرض سرایت، مانع از انجام مناسک نیست و خطر از بین رفتن جان شخص یا دیگران نیز در خصوص آن‌ها وجود ندارد، لکن این نوع بیماری به دلیل اینکه ممکن است با سرایت، سبب ابتلای حاد فرد دیگر شود و از طرفی تا این زمان دارو و درمان قطعی ندارد، سرایت چه بسا ممکن است خطر مرگ دیگری را به همراه داشته باشد. بنابراین، مسری بودن این بیماری به علاوه خطرناک بودن و نبود راه درمان برای آن، مانع از اعزام و سیر مکلف به حج است.

۲. خوف ابتلا به بیماری و تأثیر آن بر وجوب و استطاعت

آنچه تاکنون بحث شد، فرض ابتلا به بیماری مسری خطرناکی چون کوید ۱۹ قبل از سفر و اعزام به مکه یا بعد از اعزام و ابتلا به بیماری در سرزمین وحی بود، اما اگر فردی که همه شرایط استطاعت برایش مهیا شده است از ابتلا به این بیماری مهلک در مکه و سرزمین وحی خائف باشد، باز هم انجام حج بر او واجب است یا خوف از ابتلا، مانع از تعلق وجوب حج بر عهده مکلف است؟

در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد ابتدا باید بین خوفی که منشأ عقلایی دارد با خوفی که موهوم است تفصیل قائل شد؛ بدین معنا که اگر مکلف بداند یا ظن قوی داشته باشد به اینکه در عربستان دستورات عمل‌های بهداشتی برای حفظ جان حجاج اجرا نمی‌شود یا در فرض اجرا، پایبندی آن‌چنانی به این دستورات وجود ندارد یا مقدار زیاد جمعیت حجاج مانع از اجرای این دستورات است و در نتیجه خطر ابتلا به این بیماری خطرناک و مسری، جدی و مدّ نظر عقلاست، قطعاً چنین خوفی مانع از تعلق وجوب حج بر عهده مکلف است (یزدی، ۴/۴۲۰)؛ چراکه فرقی بین خوف خطر جانی ناشی از عدم امنیت مسیر و خوف خطر جانی ناشی از ابتلا به بیماری خطرناک وجود ندارد و در هر دو فرض، امنیت جانی و سلامت که شرط تحقق استطاعت سربی است، محقق نیست.

بله، اگر خوف جانی ناشی از مراعات نکردن دستورات بهداشتی وجود ندارد و اجرای مناسک و اعمال

عبادی و اسکان حجاج همراه با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی است، به گونه‌ای که با فرض رعایت این دستورات، احتمال ابتلا بسیار اندک خواهد بود، خوف از جان و ابتلا به بیماری، خوف موهوم به شمار می‌رود و از دید عقلاً چنین خوفی رافع تکلیف نیست. نظیر این خوف نیز در روایات، مانع از وجوب حج به شمار نرفته است. چنان‌که در دو روایت ذیل، از حکم زنی سؤال شده که درصدد است بدون همراهی محرم به سفر حج واجب مبادرت ورزد و درعین حال از مسافرت بدون همراه خائف است، اما امام (ع) قطع و اطمینان و حتی ظن به سلامت بدون همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد و صرفاً با علم به همراه‌بودن در سفر با کاروان متشکل از جمعی از مؤمنان معتمد را برای وجوب حج کافی دانسته‌اند. این دو روایت به قرار ذیل است:

۱. روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق (ع): «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وِلي؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثَقَاتٍ» (کلینی، ۲۸۲/۲؛ ابن بابویه، الفقیه، ۴۳۸/۲)؛ از حضرت درباره زنی سؤال کردم که قصد دارد بدون همراهی ولی‌اش برای انجام حج به مکه برود، حضرت فرمودند: اشکالی ندارد، می‌تواند با گروهی از افراد معتمد به مکه رود.

۲. روایت صحیح عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع): «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ مَحْرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَلَمْ تُقَدِّرْ عَلَى مَحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ» (حر عاملی، ۱۵۴/۱۱)؛ از حضرت درباره زنی سؤال کردم که بدون همراهی محرم می‌خواهد اقدام به حج کند. فرمودند: اگر از ایمنی برخوردار است و درعین حال قادر بر همراه‌کردن محرمی با خود نیست، اشکالی ندارد.

مستفاد از این دو روایت این است که اگر اطمینان خاطر به امنیت و حفظ جان یا آبرو برای مکلف وجود داشته باشد، وی موظف به ادای مناسک حج است. منشأ خوف از خطر جانی یا در معرض خطر بودن عرض و آبرو در این دو روایت، نبود همراه برای حج‌گزار است؛ اما ممکن است گفته شود اطلاق دو روایت حاکی از این است که منشأ خوف، تأثیری بر وجوب حج ندارد؛ بدین معنا که اگر فردی که سالم است از ابتلا به بیماری در مکه و سرزمین وحی خائف باشد، اما وثوق و اطمینانی برای وی در خصوص سالم ماندن از خطر ابتلا به بیماری وجود داشته باشد، به اینکه بدانند دستورالعمل‌های بهداشتی برای جلوگیری از شیوع و سرایت این بیماری به‌طور جدی در مکه و مشاعر حج اجرا می‌شود، این اطمینان برای حکم به وجوب ادای مناسک حج و عمره کافی است.

البته آنچه مسئله اخیر را ساده و راحت می‌کند این است که مسئولان حج در عربستان و دیگر کشورها بر اساس برآوردهای دقیق علمی و تحت نظر سازمان‌های بین‌المللی، میزان ریسک‌پذیری را به‌صورت نوعی تشخیص می‌دهند و تصمیم کلی درباره تعطیلی یا اجرای مناسک و ترتیبات و محدودیت‌های آن اتخاذ

می‌کنند، اما باین وجود، معیار سنجش، تشخیص خود مکلف است و البته تصمیمات و رعایت ضوابط سفر ایمن توسط دولت عربستان تأثیر بسزایی در روشن شدن وضعیت برای شخص مکلف دارد.

۳. ابتلا به بیماری پس از اعزام به عمره و حج تمتع

در صورتی که مکلف با احراز شرایط استطاعت، اقدام به سفر حج کند، اما در سرزمین وحی مبتلا به بیماری مسری و خطرناکی مثل کوید ۱۹ شود، این ابتلا در چند فرض درخور بررسی است:

۳.۱. ابتلا به بیماری در میقات

در این فرض یا مکلف به طور خفیف به بیماری مبتلا شده و نیاز به بستری شدن ندارد یا دچار نوع حاد بیماری شده و الزاماً باید در مکه بستری شود. در فرض اول، ابتلا به بیماری مانع از انجام اعمال عمره و سپس حج نیست، به خصوص اگر زمان دو هفته یا بیشتر بین ابتلا و شروع اعمال و مناسک حج فاصله شود، چه اینکه به گفته غالب کارشناسان پزشکی، فرد مبتلا به بیماری، پس از استراحت دو هفته‌ای بهبودی کامل می‌یابد، لکن از آنجاکه احتمال سرایت این بیماری به دیگران بسیار قوی است، بیماری مانع از حضور وی در مسجدالحرام یا مشاعر حج می‌شود. در این صورت، با فرض عدم ضیق وقت، برای انجام عمره تمتع پس از حصول بهبودی اقدام می‌کند. در فرض دوم نیز ابتلا به بیماری مانع از انجام اعمال عمره تمتع است و مکلف باید پس از بازیافت سلامتی، به انجام عمره تمتع و سپس حج اقدام کند.

بنابراین، در هر دو فرض چنانچه مکلف در میقات مُحرم و پس از آن متوجه ابتلا به بیماری شود، انجام اعمال عمره تا زمان بهبودی و اطمینان از ناقل نبودن و سرایت نکردن بیماری به دیگران به تأخیر می‌افتد.

اما اگر پس از بهبودی، فرصت برای انجام اعمال عمره تمتع ضیق باشد، همه فقها معتقدند باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و با همان احرام به سمت عرفات برود و پس از انجام مناسک حج، عمره را به جا آورد (صاحب‌جواهر، ۳۰/۱۸). اما محل اختلاف این است که چه زمانی فرصت برای انجام عمره تمتع ضیق می‌شود. علت اختلاف نیز اختلاف نصوص در این زمینه است. بر اساس روایاتی که غالباً سند صحیحی دارند،^۱ پنج نظریه مهم از فقها در ارتباط با ملاک ضیق وقت وجود دارد که عبارت‌اند از: غروب

۱. متن روایات به ترتیب به شرح زیر است:

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَصَّالٍ عَنِ ابْنِ بَكْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُتَمَتِّعِ مَتَى تَكُونُ؟ قَالَ: «يَتَمَتَّعُ مَا طَرَأَ أَنَّهُ يَدْرِكُ النَّاسَ بِمَنَى» (كلبی، ۴۴۴/۴).

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ الْبَيْهَقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «لَا نَسَ لِلْمُتَمَتِّعِ إِنْ لَمْ يُحْرِمْ مِنْ لَيْلَةِ النَّوِيَّةِ مَتَى مَا تَبَسَّرَ لَهُ مَا لَمْ يَخْفَ فُوتَ الْمُؤَقَّتِينَ» (همان).

۳. مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْمُتَمَتِّعُ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَا أَذْرَكَ النَّاسَ بِمَنَى» (طوسی، ۱۶۶/۵).

یوم الترویة (ابن بابویه، المقنع، ۸۵)، زوال روز عرفه (طوسی، ۳۶۴/۱)، خوف فوت و قوف اختیاری عرفه (شهید اول، ۳۳۵/۱)، خوف فوت رکنی و قوف اختیاری عرفه (علامه حلی، ۲۱۹/۴) و خوف فوت اضطراری عرفه (ابن ادریس، ۵۸۲/۱). از این رو، برای داوری صحیح لازم است روایات مستند را بررسی کنیم. این روایات به شرح زیر است:

۱. روایت مرسله ابن بکیر از امام صادق(ع): از امام صادق(ع) سؤال شد که فرصت انجام عمره تمتع تا چه زمانی است؟ فرمودند: عمره تمتع را می‌تواند تا زمانی که گمان دارد به جمع مردم در منا می‌رسد، انجام دهد.

۲. روایت یعقوب بن شعیب از امام صادق(ع): از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمایند: ایرادی ندارد که متمتع اگر از شب هشتم ذی‌الحجه محرم نشده است، هر زمان که بتواند مادامی که ترسد و قوف در عرفات و مشعر را از دست بدهد، محرم شود.

۳. روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع): حلبی از امام صادق(ع) چنین نقل می‌کند که حضرت فرمودند: متمتع می‌تواند طواف و سعی انجام دهد، مادامی که بتواند به جمع مردم در منا برسد.

۴. روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع): از حضرت درباره کسی سؤال کردم که نیت انجام هر دو حج و عمره را دارد، سپس (برای انجام عمره تمتع) به مکه آمده است، در حالی که مردم در عرفات اند و می‌ترسد اگر طواف و سعی را انجام دهد به قوف در عرفات نرسد؟ حضرت فرمودند: عمره را رها کند، هرگاه حج را انجام داد، همانند عایشه اعمالش را انجام دهد (نیت حج افراد کند) و قربانی برعهده او نیست.

۵. روایت صحیح جمیل از امام صادق(ع): حضرت فرمودند: متمتع می‌تواند تا ظهر روز عرفه، عمره تمتع را انجام دهد و تا ظهر روز عید قربان فرصت برای انجام حج دارد.

۶. روایت صحیح عیص بن قاسم از امام صادق(ع): از حضرت درباره متمتعی سؤال کردم که یوم الترویة هنگام نماز عصر وارد مکه می‌شود، آیا عمره تمتع او فوت شده است؟ فرمودند: نه، او می‌تواند

۴. ابن‌ابی عمیر عن حماد عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل أهل بالحج والعمرة جميعاً ثم قدم مكة والناس بعرفات فحشي إن هو طاف وسعى بين الصفا والمروة أن يقوته المؤفف؟ فقال: يدع العمرة فإذا أتت حجة صنع كما صنعت عائشة ولا هدي عليه (همان، ۱۷۴).

۵. سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى عن ابن أبي عمير عن جميل بن دراج عن أبي عبد الله (ع) قال: الممتنع له المنة إلى زوال الشمس من يوم عرفه وله الحج إلى زوال الشمس من يوم النحر (همان، ۱۷۱).

۶. وعنه عن صفوان عن عیص بن القاسم قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن الممتنع يقدم مكة يوم الترویة صلاة العصر تقوته المنة فقال لا له ما بينه وبين غروب الشمس... (حر عاملی، ۲۹۴/۱۱).

۷. موسى بن القاسم عن حسن بن علاء بن رزين عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبي عبد الله (ع): إلى متى يكون للحاج عمرة؟ قال: إلى السحر من ليلة عرفه (همان، ۲۹۳).

مابین عصر تا غروب آفتاب عمره‌اش را انجام دهد.

۷. روایت صحیح مسلم از امام صادق(ع): به حضرت گفتم: تا چه زمانی حاجی می‌تواند عمره تمتع را انجام دهد؟ فرمودند: تا سحر شب عرفه.

به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی از فقها نیز اشاره کرده‌اند (صاحب‌جواهر، ۳۵/۱۸)، اختلاف زمان‌های بیان‌شده در روایات به دلیل اختلاف احوال افراد در رسیدن به عرفات است، زیرا چه بسا فردی اگر با سایر مردم به منا نرود نتواند عرفه را درک کند و دیگری حتی اگر ظهر روز عرفه نیز از مکه خارج شود بتواند خود را به عرفات برساند. با این وجود، به نظر می‌رسد روایت صحیح جمیل بهترین مستند از نظر دلالت بر حکم به شمار می‌رود و بر این اساس باید گفت: مطابق با آن، نهایت وقت انجام عمره تمتع، ظهر روز عرفه است و متمتع باید وقوف اختیاری در عرفات را کاملاً درک کند.

البته اگر به اطلاعاتی که بیان می‌کند متمتع نمی‌تواند به حج افراد عدول کند، توجه کنیم، باید گفت: از این اطلاعات، فقط کسی که اصلاً وقوف در عرفات را درک نمی‌کند، خارج می‌شود. در این صورت، سایر موارد از جمله کسی که بخشی از عرفات را درک می‌کند، در این اطلاعات باقی می‌ماند و چنین کسی حق عدول به حج افراد را ندارد. به نظر می‌رسد قول صحیح در مسئله این است که نهایت زمان انجام عمره تمتع وقتی است که متمتع بتواند وقوف اختیاری رکنی عرفات یا همان مسمای وقوف را درک کند (سبحانی، ۴۳۶/۲).

اگر تا فرارسیدن زمان حج، بهبودی کامل نیابد؛ به طوری که بتواند وقوف اختیاری یا اضطراری عرفات را درک کند، پس از بهبودی کامل باید به ادای عمره پردازد و طواف نساء و نماز آن را نیز به جا آورد. در واقع چنین فردی موفق به انجام حج نشده و حدوث بیماری کاشف از تحقق نیافتن استطاعت و عدم وجوب حج برعهده وی در آن سال است.

البته فرض دیگری هم متصور است، هر چند ممکن است به ندرت اتفاق افتد؛ به این صورت که مکلف پس از احرام در میقات، متوجه ابتلا به بیماری مسری از نوع حاد آن شود و شرایط اش به گونه‌ای وخیم باشد که امکان رفتن به مکه برایش فراهم نباشد و لازم باشد در جده یا مدینه بستری یا به ایران بازگردانده شود. به نظر می‌رسد در چنین فرضی اگر مکلف به هیچ وجه امکان و زمان انجام عمره را ندارد، محصور^۱ به شمار آید و باید به وظیفه محصور عمل کند و از احرام خارج شود (مظاهری، ۵۲۷). اما اگر امید فراوانی به حصول بهبودی او وجود دارد؛ به گونه‌ای که بتواند در فرصت مقرر، عمره تمتع یا حج افراد را به جا آورد، تا

۱. محصور آن است که به سبب بیماری، از عمره یا حج ممنوع شود (مظاهری، ۵۲۱).

زمانی که سلامتی خود را باز یابد و بتواند به مکه رود و عمره تمتع را انجام دهد یا به عرفات رود و اعمال حج را شروع کند، در احرام می ماند.

بله، ممکن است در فرضی که بقای در احرام سبب عسرو حرج برای وی شود، گفته شود: چنین فردی به محصور ملحق می شود.

سوالی که ممکن است در این مجال نیز طرح شود این است که چنانچه فردی در میقات از ابتلای خود به بیماری اطلاع یابد و از طرفی بداند تا زمان حصول بهبودی فرصت برای انجام اعمال عمره ندارد، آیا می تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود؟ کلمات و آرای فقها در این خصوص مختلف است، اما عمده نظرات که در بحث عدول ابتدایی بانوی مبتلا به قاعدگی در میقات بحث شده است را می توان حول دو محور پذیرش و نپذیرفتن عدول ابتدایی دانست.

ا. پذیرش عدول ابتدایی: از طرفداران این نظریه می توان از محقق یزدی نام برد. ایشان، جواز عدول ابتدایی را بعید ندانسته است (۶۲۶/۴).

محقق آملی نیز بعد از بیان یک سری اشکال و جواب در این خصوص، قول به جواز عدول ابتدایی را پذیرفته و معتقد شده است که جواز عدول ابتدایی به این دلیل است که نیت کردن عملی که مکلف می داند قادر بر انجام آن نیست، بی معناست (۳۷۶/۱۲). ایشان همچنین در حکم به جواز عدول ابتدایی، تمسک به قاعده میسور را ممکن دانسته است (۳۷۷/۱۲).

از فقهای معاصر نیز امام خمینی (۴۰۸/۱)، قائل به جواز و آیت الله شبیری زنجانی (۵۰) قائل به وجوب عدول ابتدایی است.

ب. نپذیرفتن عدول ابتدایی: کلمات شهید اول ظهور در این دارد که مکلف نمی تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود، زیرا ایشان برای عذر مجوز عدول از تمتع به افراد، به خوف حیض مقدم بر طواف مثال زده است؛ بدین معنا که اگر مکلفی که وظیفه اش تمتع است به نیت عمره تمتع محرم شد، بترسد قبل از انجام طواف دچار قاعدگی شود، بعد از احرام می تواند نیت خود را به حج افراد تبدیل کند (شهید اول، ۳۳۲/۱). از کلمات مقدس اردبیلی نیز این معنا درخور استفاده است (۲۰/۶). البته اگر کاربرد عدول در کلمات این دو فقیه بزرگوار را مطلق و شامل عدول ابتدایی نیز بدانیم، از آنجاکه خوف حیض می تواند قبل از احرام نیز محقق باشد، جواز عدول ابتدایی از این کلمات درخور استفاده است.

محقق خویی از افرادی است که جواز عدول ابتدایی را بعید می داند و معتقد است متبادر به ذهن این است که این حکم، مختص به جاهل به ضیق وقت است، زیرا در فرض علم به ضیق وقت، دلیلی بر عدول ابتدایی قبل از داخل شدن در اعمال عمره نیست و روایات عدول نیز همگی در خصوص عدول در اثنا و بعد

از داخل شدن در عمره وارد شده است (موسوعة الامام الخوئی، ۲۴۰/۲۷).

در نقد کلمات محقق خوئی می‌توان گفت: روایات عدول، درباره عدول در اثنا و بعد از داخل شدن در عمره و پیشامد قاعدگی وارد شده است؛ اما به طور قطع می‌توان ادعا کرد که ملاک جواز عدول در این روایات، علم به ضیق وقت است، به خصوص اگر در نظر داشته باشیم در اعصار گذشته و به ویژه در عصر معصومان(ع) به دلیل اینکه مسافرت با اسب و شتر و امثال آن انجام می‌گرفت، غالباً مشخص نمی‌توانست هنگام احرام بستن به طور یقینی زمان رسیدن به مکه و انجام عمره را پیش‌بینی کند. بنابراین، اگر در برخی از این روایات، پرسش از جواز عدول راجع به بانویی است که به قصد انجام عمره تمتع وارد مکه و سپس دچار قاعدگی شده است، از این روست که غالباً علم به ضیق وقت در آن زمان برای مکلف حاصل می‌شده است، به خصوص اینکه فاصله میقات‌ها تا مکه و نیز افراد حائض از نظر حکم و مدت زمان قاعدگی یکسان نبوده و نیست.

نتیجه اینکه کلام محقق خوئی پذیرفتنی نیست و مستفاد از روایات این است که علم، موضوع برای ثبوت تکلیف عدول است. بنابراین باید گفت: تفاوت عالم و جاهل به ضیق وقت در این است که جاهل به ضیق وقت در زمان احرام به وظیفه‌اش که احرام به نیت تمتع است عمل می‌کند و پس از علم پیدا کردن به ضیق وقت می‌تواند نیت خود را به حج افراد تبدیل کند. اما عالم به ضیق وقت، از همان ابتدا می‌تواند به نیت حج افراد محرم شود. البته در هر دو صورت چنانچه برای مکلف کشف خلاف شود، باید نیت خود را به عمره تمتع مبدل کند (شیرازی زنجانی، ۵۰).

باتوجه به مطالب بیان شده روشن شد، حق به جانب فقیهانی است که معتقدند مکلف در فرض مزبور می‌تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد محرم شود.

۳. ۲. ابتلا به بیماری در مکه بعد از انجام عمره تمتع

اگر مکلف در میقات به نیت عمره تمتع محرم و برای انجام اعمال راهی مکه و مسجدالحرام شود و پس از انجام عمره تمتع، متوجه ابتلا به بیماری مسری مانند کوید ۱۹ شود، همان‌گونه که گذشت یا به نوع حاد بیماری مبتلا شده است که نیاز به بستری شدن و استراحت دارد یا به نوع خفیف آن مبتلا شده است که به خودی خود مانع از انجام مناسک حج نیست و در هر دو فرض، چنانچه تا فرارسیدن زمان حج و درک وقوف اختیاری یا اضطراری عرفه بهبودی برایش حاصل شود، می‌تواند به نیت انجام اعمال و مناسک حج تمتع محرم شود و به عرفات برود (سبحانی، ۴۳۷/۲). اما اگر تا آن زمان، بهبودی حاصل نشد، در این صورت چه مکلف به نوع حاد و چه نوع خفیف از این بیماری مبتلا شده باشد، چنانچه امکان حضور برای وی در عرفات میسر باشد به اینکه بتواند در خیمه‌ای جدا از سایر حجج، در سرزمین عرفات حاضر شود،

لازم است بدین شیوه وقوف واجب در عرفات را انجام دهد، اما چنانچه به علت بدحالی و گرما و کمبود امکانات نتواند تمام مدت را در عرفه بماند و فقط توان انجام مقدار رکنی وقوف را داشته باشد، به صرف حضور و توقف مدت زمان ممکن، می‌تواند واجب خود را انجام دهد، مثل اینکه نزدیک به غروب در عرفات حاضر شود و مسمای وقوف را درک کند و چنانچه به این مقدار نیز نتواند، صحت حجش متوقف بر درک وقوف اضطراری عرفات در شب عید قربان است.

چنین فردی پس از درک مسمای وقوف اختیاری یا وقوف اضطراری عرفه، می‌تواند پس از توقیف کوتاه در سرزمین مشعرالحرام، قبل یا بعد از نیمه شب عید قربان برحسب اختلافی که وجود دارد در منا حاضر شود و شبانه رمی جمره عقبه را انجام دهد و برای انجام قربانی نایب بگیرد و پس از آن به مکه رود. در این صورت، چنانچه روز عید قربان بتواند به منا باز گردد، باید در منا حلق یا تقصیر را انجام دهد. اما اگر امکان حضور ایمن برای وی در منا وجود نداشته باشد، می‌تواند در مکه حلق یا تقصیر کند و موهای خود را برای دفن کردن به منا بفرستد.

همچنین فرد مبتلا به نوع خفیف بیماری نیز چنانچه امکان حضور ایمن وی در بین حجاج وجود داشته باشد، پس از وقوف به عرفات باید به مشعرالحرام رود و وقوف واجب در سرزمین مشعر را انجام دهد و پس از آن چنانچه امکان انتقال ایمن وی مانند سایر حجاج به منا وجود داشته باشد، در منا مستقر می‌شود. لکن از آنجاکه امکان رمی روز عید قربان و حضور در محل رمی برای وی وجود ندارد، باید برای رمی و سپس قربانی نایب بگیرد و سپس حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود.

بیتوته در منا در هر دو فرض چنانچه ممکن نباشد، از مکلف ساقط است و انجام رمی در روز یازدهم و دوازدهم باید به صورت نیابی انجام گیرد. البته لازم است به دلیل ترک بیتوته در منا به ازای هر شب، گوسفندی را قربانی کند (خویی، المعتمد، ۳۸۹/۵؛ هاشمی شاهرودی، ۶۳/۵؛ فیاض، ۶۲۴) مگر اینکه شب را در مکه به عبادت بگذراند (افتخاری، ۶۱۴/۱). چنین افرادی مجازند اعمال مکه (خمینی، ۴۵۲/۱) یا طواف زیارت، نماز و سعی (شیری زنجانی، ۲۹۴) را در صورت امکان، بر وقوفین مقدم سازند، مگر اینکه امکان حضور ایمن برای آنان در مسجدالحرام فراهم نباشد. در این فرض باید تا حصول بهبودی، انجام اعمال مکه را به تأخیر اندازند.

۳.۳. ابتلا به بیماری حین انجام مناسک حج

حکم چنین فردی باتوجه به زمان اطلاع از ابتلا به بیماری متفاوت است؛ بدین معنا که اگر بعد از احرام حج و قبل از رسیدن به سرزمین عرفات یا هنگام حضور در سرزمین عرفات از ابتلای خود اطلاع یابد، چنانچه مریضی او به گونه‌ای باشد که بتواند به طور معمول، وقوف واجب خود را در سرزمین عرفات و

مشعرالحرام مانند سایر حجاج ولی جدای از آنان انجام دهد یا بتواند وقوف اختیاری عرفه (رکنی یا واجب) و اضطراری شبانه مشعر (سبحانی، ۴/۴۳۸) یا اضطراری عرفه و اضطراری شبانه مشعر را درک کند (همان)؛ حج او صحیح است. اما چنانچه بیماری حاد بوده و امکان انجام وقوفین نباشد، باید به عمره مفرده عدول کند و تا زمانی که شرایط استطاعت برای وی مجدداً فراهم نشود، حج بر وی واجب نمی‌شود (همان، ۴۲۱). همچنین اگر وضعیت بیماری او به گونه‌ای باشد که فقط بتواند وقوف اختیاری عرفه را درک کند و امکان ادامه حضور در مشعرالحرام را نداشته باشد، مطابق با روایات و اصح اقوال در این زمینه، حش صحیح است (همان، ۴۵۲).

باتوجه به آنچه بیان شد، فرد مبتلا به بیماری اگر بتواند وقوف واجب را مطابق صور مذکور انجام دهد، چنانچه امکان حضور در منا و ادامه مناسک برایش فراهم باشد، مانند سایرین عمل می‌کند و البته باید برای رمی و قربانی نایب اختیار کند، اما اگر امکان ادامه حضور در منا پس از وقوف اضطراری شبانه مشعر را ندارد، باید برای انجام رمی و قربانی، نایب اختیار کند و پس از انجام حلق یا تقصیر در مکه یا محلی که در خارج از منابستری شده است، موهای خود را به منابفرستد (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ۵/۳۳۵؛ همو، مناسک الحج، ۲۲۹). در این فرض همان‌گونه که بیان شد، بیتوته منا بر وی واجب نیست و برای رمی روزهای یازدهم و دوازدهم باید نایب بگیرد و پس از بهبودی اعمال مکه را انجام دهد.

۴. چگونگی انجام مناسک و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی پیشگیرانه

از آنجاکه در بیماری‌های مسری مانند کوید ۱۹، خطر سرایت بیماری و ابتلای دیگران بسیار زیاد است و تاکنون نیز راه حل قطعی برای درمان آن شناخته نشده است، باید تا حد امکان با رعایت دستورالعمل‌های توصیه‌شده کارشناسان و متخصصان بهداشتی از سرایت این بیماری پیشگیری کرد. یکی از راه‌های پیشگیری از ابتلا و سرایت و شیوع این‌گونه بیماری‌ها، رعایت فاصله از یکدیگر است. بنابراین با این نگاه باید چگونگی انجام اعمال عمره و حج را با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی بررسی کنیم.

بدیهی است امکان رعایت فاصله هنگام حضور در مواقیت برای حجاج وجود دارد و برای این منظور کافی است تا حجم ورودی کسانی که وارد مسجد جحفه یا شجره و سایر مواقیت می‌شوند کنترل شود تا حجاج بتوانند با فاصله لازم از یکدیگر در مسجد حضور یابند و با گفتن لبیک محرم شوند.

از آنجاکه طواف در مسجدالحرام در محیط باز نیز انجام می‌شود، با رعایت فاصله در هنگام طواف بین زائران و مشخص کردن خط سیر برای آنان به دور کعبه، امکان طواف ایمن وجود دارد. بدیهی است چنانچه ضرورت، ایجاب کند، طواف در خارج از فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم (ع) نیز در این فرض بدون اشکال

است، زیرا یا معتقد هستیم که طواف حد خاصی ندارد یا قائل به لزوم انجام طواف در محدوده کعبه تا مقام ابراهیم (ع) هستیم که مطابق با روایات و فتاوی فقها، طواف خارج از این محدوده در فرض ضرورت بدون اشکال است.

انجام سعی در مسعا نیز با کنترل جمعیت ورودی به مسعی و رعایت فاصله بین حجاج، ممکن است. حضور در سرزمین عرفات و مشعرالحرام نیز با ایجاد محدودیت در تعداد حجاج و استقرار آنان در خیمه‌ها با رعایت فاصله مناسب از یکدیگر ممکن است، به خصوص اینکه مدت زمان حضور حجاج در عرفات، کوتاه است و در سرزمین مشعر، استقرار حجاج در فضای آزاد صورت می‌گیرد. اما از آنجاکه محدوده اختصاص یافته به هریک از کشورهای اسلامی در منا ظرفیت زیادی برای گنجایش حجاج را ندارد و از طرفی مدت زمان حضور حجاج در منا نیز بیش از سرزمین عرفات و مشعر است و خیمه‌های موجود فعلی در منا نیز سقفی کوتاه دارد و غالباً از تهویه مناسب برخوردار نیست، چنانچه اسکان ایمن و محدود حجاج در خیمه‌های منا وجود داشته باشد یا حجاج بتوانند خارج از خیمه و در فضای باز، نیمی از شب را در منا بگذرانند؛ بیتوته در منا واجب خواهد بود. اما اگر احتمال سرایت بیماری و خطر ابتلا به آن نزد عقلا درخور توجه و معتدبه باشد و امکان حضور ایمن در هیچ فرضی ولو به طور محدود در منا برای حجاج وجود نداشته باشد، خوف جانی سبب اسقاط وجوب بیتوته می‌شود. البته لازم است به‌ازای هر شیی که بیتوته ترک می‌شود گوسفندی قربانی کند، مگر اینکه شب را به عبادت در مکه سپری کنند. در این صورت برعهده حجاج است که در هر روز به منا بیایند و پس از انجام رمی، منا را ترک کنند. البته در صورت امکان، کوچ از منا در روز دوازدهم باید بعدازظهر صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. از اطلاق آیه شریفه: «... وَ لِّلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...» و نیز از روایات مبین استطاعت چنین استفاده می‌شود که توان جسمی برای پیمایش مسیر (ابتدای اعزام به حج) و انجام اعمال در زمان خودش، شرط تحقق استطاعت بدنی برای تعلق وجوب حج برعهده مکلف است و اگر ابتلا به بیماری در مکه اتفاق افتد، به‌گونه‌ای که مانع از انجام اعمال و مناسک حج شود و زمان از دست برود؛ ابتلا به بیماری کاشف از عدم استطاعت مکلف است و چنانچه مکلف مُحرم شود و بیماری مانع از ورود او به مکه و انجام عمره یا حج شود، مصداق محصور می‌شود.
۲. اگر مکلف بعد از ورود به مکه و قبل از انجام عمره تمتع به بیماری مبتلا شود، باید تا حصول

بهبودی انتظار بکشد. در این صورت اگر بعد از بازیافت سلامتی، فرصت انجام عمره تمتع داشت؛ اعمال عمره را انجام می‌دهد، وگرنه باید به نیت حج افراد مُحرم شود. همچنین اگر در میقات متوجه ابتلا به بیماری شود و بداند تا آخرین زمان ممکن فرصت انجام عمره تمتع نمی‌یابد، مطابق با اصح اقوال می‌تواند از همان ابتدا به نیت حج افراد مُحرم شود.

۳. اگر مکلف بعد از مُحرم شدن برای انجام حج تمتع متوجه ابتلا به بیماری شد، چنانچه بتواند اعمال و مناسک حج را ولو با جداشدن از سایر حجج انجام دهد؛ حج او مجزی است. البته برای انجام رمی و قربانی به علت عدم امکان حضور در محل رمی و قدرت نداشتن بر قربانی لازم است نایب اختیار کند. همچنین چنانچه امکان حضور ایمن در منا را نداشته باشد، وجوب بیتوته در منا ساقط می‌شود.

۴. اگر ابتلا به بیماری بعد از مُحرم شدن برای انجام حج تمتع حاد بود، به طوری که مکلف فقط بتواند وقوف اختیاری عرفه یا اضطراری عرفه و اضطراری شبانه مشعر را درک کند؛ حج او صحیح است و ادامه مناسک با انتخاب نایب صورت می‌پذیرد.

۵. انجام اکثر اعمال و مناسک حج با رعایت فاصله و کنترل مقدار جمعیت ورودی در مسجدالحرام، مسعی، محل رمی و سایر اماکن ممکن است و خللی را به اعمال و مناسک حج وارد نمی‌سازد، اما اگر امکان اسکان ایمن حجج در سرزمین منا وجود نداشته باشد، به طوری که خوف خطر جانی و ابتلا به بیماری، عقلایی و درخور توجه باشد؛ بیتوته در منا واجب نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- ابن ادریس، محمدبن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمدبن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- _____، المقنع، چاپ اول، قم: امام هادی(ع)، ۱۴۱۵ق.
- افتخاری، علی، آراء المراجع فی الحج، چاپ دوم، تهران: مشعر، ۱۴۲۸ق.
- آملی، محمدتقی، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، چاپ اول، تهران: مؤلف، ۱۳۸۰ق.
- بحر العلوم، سید مهدی، الفوائد الرجالیه، چاپ اول، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۰۵ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- حلی، حسن بن علی بن داوود، رجال داوود، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، چاپ اول، قم: دار العلم، بی تا.

- خویی، ابوالقاسم، المعتمد فی شرح المناسک، چاپ اول، قم: مدرسه دار العلم، ١٤١٠ ق.
- _____، موسوعة الامام الخوئی، چاپ اول، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی (ره)، ١٤١٨ ق.
- زین الدین، محمدامین، کلمة التقوی، چاپ سوم، قم: سیدجواد وداعی، ١٤١٣ ق.
- سبحانی، جعفر، الحج فی الشریعة الاسلامیة الغراء، چاپ اول، قم: امام صادق (ع)، ١٤٢٨ ق.
- شبییری زنجانی، موسی، مناسک الحج، چاپ اول، قم: مؤسسة الولاء للدراسات، ١٤٢١ ق.
- شهید اول، محمدبن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٧ ق.
- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٤ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، فقه الحج، چاپ دوم، قم: مؤسسه حضرت معصومه (س)، ١٤٢٣ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٧ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیة، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفریة، ١٣٨٧ ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم: آل البيت (ع)، ١٤١٤ ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، کتاب الحج، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ١٤١٨ ق.
- _____، مناسک الحج، بی جا: بی نا، بی تا.
- فیاض، محمداسحاق، تعالیق مبسوطه علی مناسک الحج، چاپ اول، قم: محلاتی، بی تا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ١٤٠٧ ق.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، چاپ اول، قم: آل البيت (ع)، ١٢٤٧ ق.
- مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن، الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقليد، چاپ اول، قم: انصاریان، ١٤١٢ ق.
- مظاهری، منصور، مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید، چاپ سیزدهم، قم: مشعر، ١٣٩٧.
- مغنیه، محمدجواد، فقه الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم: انصاریان، ١٤٢١ ق.
- مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٢ ق.
- موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الاحکام، چاپ اول، بیروت: آل البيت، ١٤١١ ق.
- نجاشی، أبو الحسن احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٧ ق.
- نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ اول، قم: آل البيت، ١٤١٥ ق.

هاشمی شاهرودی، محمود، کتاب الحج، چاپ اول، انصاریان، ۱۴۰۲ق.

یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم، العروة الوثقی (محمشی)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.